

تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

جواد نیک‌کار^۱، مریم یوسفی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با بررسی ادبیات داخلی در ارتباط با پژوهش‌های انجام شده در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت و با توجه به اهمیت این حوزه برای اقتصادهای در حال توسعه به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این پژوهش برای نخستین بار به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در محیط گزارشگری مالی ایران با توجه به شاخص‌های کمی استخراج شده از صورت‌های مالی پرداخته است. بدین منظور ده فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج نشان داد که نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها و نسبت مالیات به کل دارایی‌ها به عنوان شاخص‌های ارائه مسئولیت اجتماعی شرکت، سبب کاهش نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت می‌شوند. از سوی دیگر، نتایج مویید آن است که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های شرکت، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش و توانایی حاکمیت شرکتی به عنوان شاخص‌های ارائه مسئولیت اجتماعی شرکت، تأثیر غیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت دارد. بنابراین، با توجه به نتایج متناقض کسب شده برای تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت این حوزه نیازمند انجام تحقیقات بیشتری است.

واژه‌های کلیدی: شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت، نوسانات عملکرد مالی، نوسانات عملکرد اقتصادی

و رفاه اجتماعی.

طبقه‌بندی موضوعی: G14, M14

DOI: 10.22051/ijar.2018.21713.1422

^۱ استادیار گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (j.nickar@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد، حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (souzany@yahoo.com)

مقدمه

طرح بحث مسئولیت اجتماعی به طور ملموس به زمان آدام اسمیت یعنی اواخر قرن هجدهم بر می‌گردد. وی به موضوع ارتقاء رفاه عمومی پرداخت و معتقد بود کوشش کارآفرینان رقیب طبعاً در جهت حمایت از منافع عموم خواهد بود. در دهه ۱۸۹۰ آندریو کارنگی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را مشخص کرد. دیدگاه کارنگی بر پایه دو اصل، خیرخواهی و قیومیت یا سرپرستی بود. اصل خیرخواهی به عنوان یکی از مسئولیت‌های افراد، و نه یک سازمان، به حساب می‌آید اما به موجب اصل قیومیت، سازمان‌ها و افراد ثروتمند باید خود را قیم و سرپرست افراد فقیر بدانند (براتلو، ۱۳۸۶). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها موضوعی جدید در ادبیات و تحقیقات حسابداری به شمار رفته و از جنبه‌های مختلف توسط سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مدیران و محققین مورد توجه قرار گرفته است. امروزه سهامداران خواهان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به گونه‌ای مناسب مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند. لانیس و ریچاردسون، (۲۰۱۴) بیان کردند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها نه تنها در شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود بلکه امروزه برای بسیاری از شرکت‌ها ضروری است. حامیان افشای اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی ادعا می‌کنند که شرکت‌ها برای افزایش ثروت سهامداران این اطلاعات را ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، تقاضای روز افزون ذی‌نفعان از شرکت‌ها برای قبول مسئولیت‌های اجتماعی، شرکت‌ها را به ارائه مسئولیت‌های زیست محیطی و اجتماعی تشویق کرده است. منظور از مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع تمام ذی‌نفعان، شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست و عملکرد سازمان منعکس شود (مران جوری و علیخانی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، این استدلال وجود دارد که هر چه یک شرکت عملکرد اجتماعی مناسب‌تری از خود نشان دهد، دارای سطح عملکرد مالی بالاتری است. زیرا، شرکتی که دارای عملکرد اجتماعی مناسب‌تری است مدیران آن این اعتقاد را دارند که، به منظور آنکه شرکت در بلندمدت به اهداف خود دست یابد لازم است شرکت به مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه متعهد باشد. در حقیقت، بجا آوردن مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به جامعه از اعتقادات اساسی مدیران این گونه شرکت‌ها است. در نتیجه، با توجه به اینکه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در بلندمدت شرکت را به اهداف اقتصادی خود نزدیک‌تر می‌کند این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه بهتر توجه

می‌کنند دارای ثبات عملکردی بیشتری بوده و در بلندمدت با افزایش حجم فروش و افزایش شدت چسبندگی عمومی نسبت به محصولات شرکت رو به رو هستند. در نتیجه، در بلندمدت سبب رشد عملکرد مالی و اقتصادی شرکت و کاهش نوسانات آن می‌شوند. با توجه به این مبانی تئوریک، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در محیط اقتصادی ایران است و به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد آیا در محیط اقتصادی کشور به عنوان یک کشور در حال توسعه، تا چه میزان به این شاخص توجه شده و تا چه اندازه ابعاد اخلاقی عملکرد شرکت توسط شرکت‌های ایرانی رعایت می‌شود. ساختار مقاله تا انتها در برگیرنده، پیشینه نظری و تجربی پژوهش، تدوین فرضیات و روش شناسی پژوهش و در انتها شامل یافته‌های پژوهش به همراه نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دهه اخیر به پارادایم غالب و مسلط حوزه اداره شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های بزرگ و معتبر جهانی مسئولیت در برابر اجتماع و محیط اجتماعی را جزیی از استراتژی شرکتی خود می‌بینند. این مفهوم موضوعی است که هم اکنون در کشورهای توسعه یافته به شدت از سوی تمامی بازیگران همچون حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنبال می‌شود. شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی شرکتی را نوعی استراتژی تجاری می‌بینند که باعث می‌شود در فضای به شدت رقابتی، بر اعتبارشان افزوده شود و سهم‌شان در بازار فزونی گیرد. در این وضعیت، حرفه حسابداری نقش بسزایی در شفاف سازی اثرهای مالی و زیست محیطی فعالیت‌های اقتصادی دارد و باید درخصوص اندازه‌گیری، ارزیابی، افشای عملکرد زیست محیطی و اجتماعی در صورت‌های مالی یا پیوست‌های آن مسئول باشد (مرانجوری و علیخانی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، این استدلال وجود دارد که هر چه یک شرکت عملکرد اجتماعی در سطح مناسب‌تری ارائه دهد دارای سطح عملکرد مالی بالاتری است. زیرا، شرکتی که دارای عملکرد اجتماعی قویتری می‌باشد، مدیران آن این اعتقاد را دارند برای این که شرکت در بلندمدت به اهداف خود دست یابد لازم است شرکت به مسئولیت اجتماعی خود در برابر جامعه متعهد باشد. بنابراین، ارتقاء در عملکرد مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها از اعتقادات مدیران شرکت است. در نتیجه، ایفای

مسئولیت‌های اجتماعی در بلندمدت، شرکت را به اهداف اقتصادی خود نزدیک‌تر می‌کند. علاوه بر این، این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که خود را به ایفای مسئولیت اجتماعی در برابر جامعه متعهد می‌دانند، دارای ثبات بیشتری بوده و در بلندمدت با افزایش حجم فروش و افزایش شدت چسبندگی عمومی نسبت به محصولات شرکت مواجه خواهند بود. بنابراین، در بلندمدت موجب افزایش ثبات و کاهش نوسان عملکرد مالی و اقتصادی خود می‌شوند (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

افزون بر این، گرچه حاکمیت اخلاق کار بر سازمان، منافع فراوانی برای شرکت از بعد داخلی از جنبه‌های ارتقا روابط، بهبود جو تفاهم و کاهش تعارضات، افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر کارکنان، افزایش چندگانگی و کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل دارد. از دیدگاه مسئولیت اجتماعی نیز، از راه افزایش مشروعیت سازمان، التزام اخلاقی در توجه به اهمیت منافع ذینفعان، افزایش درآمد، سودآوری و بهبود مزیت رقابتی و...، موفقیت سازمانی را تحت تاثیر قرار داده و در بلندمدت سبب افزایش سودآوری و به دنبال آن کاهش نوسانات عملکردی خواهد شد، زیرا موجب انگیزش نیروی انسانی، افزایش حسن نیت اجتماعی و اعتماد مردم به یکدیگر و نیز کاهش جریمه‌ها می‌شود (میلان و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، ایفای مسئولیت اجتماعی با کاهش هزینه‌های عملیاتی، تقویت اعتبار و برند شرکت، افزایش فروش و وفاداری مشتریان، افزایش بهره‌وری و کیفیت، افزایش توانایی برای جذب و نگهداری کارکنان، کاهش مقررات دست و پاگیر و دستیابی به سرمایه منجر به بهبود عملکرد مالی و اقتصادی و کاهش نوسانات عملکردی می‌شود. بنابراین، سازمان‌هایی که به مسئولیت‌پذیری اجتماعی توجه می‌کنند، می‌توانند از نظر تقویت شهرت و اعتبار، سود با ثبات کسب کنند. این اعتبار و شهرت در جامعه تجاری، می‌تواند موجب افزایش توانایی شرکت برای جذب سرمایه و مشارکت شرکا شود. به سبب آنکه برای تجارت، ابتدا باید شاخص‌های کلیدی خرید کنندگان از قبیل قیمت، کیفیت، ایمنی، در دسترس بودن و راحتی فراهم گردد، مطالعات نشان می‌دهند که تمایل برای خرید (یا نخریدن) بر پایه شاخص‌های ارزش محور از قبیل پوشش آزادی کار کودکان، کاهش اثرات زیست محیطی و آزادی در خرید افزایش می‌یابد. تلاش سازمان‌ها بر ارتقا شرایط کاری یا کاهش اثرات محیطی یا افزایش بکارگیری نیروی انسانی در تصمیم‌گیری، اغلب به افزایش بهره‌وری و ثبات مالی منجر می‌شود. سازمان‌های متعهد به مسئولیت اجتماعی بالا، اغلب در حفظ

و نگهداری کارکنان، کاهش جابه‌جایی و تعهدات استخدام و هزینه‌های آموزش به نتایج مؤثری دست یافته‌اند. این شرکت‌ها به سرمایه‌هایی دست می‌یابند که دستیابی دیگران به آن سرمایه‌ها ممکن نیست. در نتیجه، این سرمایه کسب شده در بلندمدت سبب ثبات عملکردی و کاهش نوسانات سودآوری می‌شود (سالسکی و زولچ، ۲۰۱۶).

پیشینه تجربی

بنلملیه و پوتین (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت در کاهش ریسک مالی پرداختند. نمونه آنان شامل ۱۱۶۹ شرکت در ۲۵ کشور بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ بود. نتایج نشان داد، که امتیاز بالای راهبری شرکتی ریسک شرکت را تنها برای کشورها با سطح پایین مسئولیت اجتماعی کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج موید آن است که سطح مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی معناداری بر کاهش ریسک مالی دارد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتها بر مالکیت علائم تجاری و در عملکرد شرکت بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در شرکت‌های تایوانی پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی محققان یاد شده نشان داد که بُعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اعتبار علائم تجاری برای کلیه چارک‌های در نظر گرفته شده مثبت و معنادار است. همچنین، یافته‌های نهایی آنها که بر مبنای مدل معادلات ساختاری بود نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مالکیت علائم تجاری تأثیری مثبت بر عملکرد شرکت دارند.

بچیتی و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات سود شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی شرکت توجه بیشتری داشته دارای ثبات بالاتری در نتایج عملکرد خود در بلندمدت بوده‌اند و این شرکت‌ها معمولاً شرکت‌های با سابقه بالا بوده که از لحاظ مسائل مالی به یک ثبات نسبی در بلندمدت دست یافته‌اند.

سالوسکی و زولچ (۲۰۱۶) رابطه بین چندین شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را با معیارهایی از قبیل درجه مدیریت سود، محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت ارقام تعهدی حسابداری در ۱۰ کشور اروپایی از جمله آلمان مورد ارزیابی قرار دادند. شواهد آنها حکایت از آن داشت که شرکت‌هایی با رتبه مسئولیت اجتماعی بالا، ممکن است با احتمال بیشتری

مرتکب مدیریت سود شوند. همچنین، نتایج این محققان از جنبه‌ای دیگر نشان داد که روند افزایشی سرمایه‌گذاری و گزارش درباره مسئولیت اجتماعی شرکت، لزوماً منتهی به کیفیت بالاتر صورت‌های مالی نمی‌شود.

فروغی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نگهداشت وجه نقد از طریق اثرهمزمان متغیرهای منتخب پرداختند. نمونه آنان شامل ۹۱ شرکت بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ بوده است. روش مورد استفاده به منظور آزمون فرضیه‌ها، روش تخمین سیستم معادلات هم‌زمان از طریق الگوی حداقل مربعات سه مرحله‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی از طریق ریسک غیرنظام‌مند بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنادار و مثبتی دارد. همچنین، مسئولیت اجتماعی از طریق ریسک نظام‌مند بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنادار و منفی دارد. نتایج نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی از طریق حاکمیت شرکتی بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

نیک‌کار و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پدیده چسبندگی هزینه وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش و نسبت مالیات به فروش شرکت به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. همچنین، نتایج موید آن است که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و متغیر توانایی راهبری شرکتی به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی ندارد.

حاجیها و سرافراز (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه معکوس و معناداری با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد. بنابراین، مدیران با افزایش افشاگری در زمینه عملکرد اجتماعی، باعث کاهش در نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران (هزینه حقوق صاحبان سهام) شده، و هزینه‌های تامین مالی

کمتری برای شرکت به ارمغان می‌آورند. به عبارت دیگر اطلاعات مسئولیت پذیری شرکت برای سرمایه گذاران محتوای اطلاعاتی دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌های شرکت تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی شرکت دارد.

فرضیه دوم: نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی شرکت دارد.

فرضیه سوم: نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی شرکت دارد.

فرضیه چهارم: توانایی حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی شرکت دارد.
فرضیه پنجم: نسبت مالیات به کل دارایی‌های شرکت تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی شرکت دارد.

فرضیه ششم: نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌های شرکت تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد اقتصادی شرکت دارد.

فرضیه هفتم: نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد اقتصادی شرکت دارد.

فرضیه هشتم: نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد اقتصادی شرکت دارد.

فرضیه نهم: توانایی حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد اقتصادی شرکت دارد.

فرضیه دهم: نسبت مالیات به کل دارایی‌های شرکت تأثیر معناداری بر نوسانات عملکرد اقتصادی شرکت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ بوده است. در این پژوهش، برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری به صورت حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در ابتدای سال ۱۳۸۵، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. شرکت‌ها باید در طول دوره‌ی مورد بررسی تداوم فعالیت داشته باشند.

۲. نمونه آماری شامل شرکت‌های تولیدی و صنعتی باشد.

۳. شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به انتهای اسفند ماه ختم می‌شود.

در نهایت، پس از طی مراحل مزبور، تعداد ۱۰۵ شرکت، شامل ۸۴۰ سال-شرکت به عنوان نمونه پژوهش برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند.

الگوها و متغیرهای پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بنابراین، الگوهای زیر مطابق با پژوهش بچیتی و همکاران (۲۰۱۶) برای انجام آزمون فرضیه‌های انتخاب شده است.

الگوی (۱)

$$\Delta Earnings_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EINT_{i,t} + \beta_2 \left(\frac{R\&D}{Sales} \right)_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 GINDEX_{i,t} + \beta_5 TAX_{i,t} + \beta_6 Size_{i,t} + \beta_7 MBV_{i,t} + \beta_8 Lev_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی (۲)

$$\Delta EVA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EINT_{i,t} + \beta_2 \left(\frac{R\&D}{Sales} \right)_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 GINDEX_{i,t} + \beta_5 TAX_{i,t} + \beta_6 Size_{i,t} + \beta_7 MBV_{i,t} + \beta_8 Lev_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته‌ی تحقیق:

$\Delta Earnings_{i,t}$: برابر با انحراف معیار سه سال گذشته سود شرکت است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

$\Delta EVA_{i,t}$: برابر با انحراف معیار سه سال گذشته ما به تفاوت سود پس از کسر مالیات و حاصلضرب سرمایه به کار گرفته شده و میانگین موزون هزینه سرمایه است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

متغیرهای مستقل تحقیق:

(نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها) $EINT_{i,t}$: برابر با نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌های شرکت است (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۴). به صورت کلی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که کارکنان بیشتری داشته باشند نقش بیشتری در ایجاد اشتغال در جامعه داشته که نشان دهنده نوعی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت در کاهش نرخ بیکاری است (نیک کار و همکاران، ۱۳۹۶ و لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۴).

(نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش) $\left(\frac{R\&D}{Sales} \right)_{i,t}$: برابر با نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مخارج بیشتری برای تحقیق و توسعه هزینه می‌کنند به دو دلیل سبب ایفا نقش مسئولیت اجتماعی می‌شوند اول، با تحقیق و توسعه از تجهیزات و تکنولوژی بروزتری برای تولیدات استفاده کرده که سبب آسیب‌رسانی کمتری به محیط‌زیست می‌شوند دوم، با انجام تحقیق و توسعه محصولات با کیفیت‌تری در اختیار عموم قرار داده و سبب رضایت عمومی جامعه و افزایش سطح رفاه اجتماعی می‌شوند (نیک کار و همکاران، ۱۳۹۶ و جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳).

(نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها) $PPE_{i,t}$: برابر با نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها است (به عنوان معیار محیطی) در ارتباط با تأثیر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت به عنوان متغیر محیطی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای سرمایه‌گذاری بیشتری در این بخش باشند از تجیزات و امکانات بروزتری استفاده کرده و آلاینده‌گی کمتری برای محیط زیست دارد (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۶ و جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳).

(شاخص توانایی حاکمیت شرکتی) $GINDEX_{i,t}$: برای اندازه‌گیری شاخص توانایی حاکمیت شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است. لائیس و ریچاردسون (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند شرکت‌هایی که توانایی راهبردی بالاتری دارند به مسائل زیست محیطی و اجتماعی جامعه بیشتر توجه داشته و سرمایه‌گذاری بیشتری برای این بخش انجام می‌دهند. برای اندازه‌گیری شاخص توانایی حاکمیت شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۶ و لائیس و ریچاردسون، ۲۰۱۴).

الف) مالکیت نهادی: درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ب) تمرکز مالکیت: درصد مالکیت سهام پنج سهامدار عمده شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ج) مالکیت مدیریت: درصد مالکیت سهام در اختیار مدیریت شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

د) استقلال هیات مدیره: این متغیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره تعریف شده است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، توانایی حاکمیت شرکتی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$GINDEX = \frac{\sum_{j=1}^m d_j}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

در این رابطه، $\sum d_j$ بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته اند و $\sum H_j$ بیانگر کلیه اقلامی است که ارزش‌های صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب، به این ترتیب در مورد هر شرکت شاخص توانایی حاکمیت اندازه گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد.

(نسبت مالیات به کل دارایی‌ها) $TAX_{i,t}$: برابر با نسبت مالیات به کل دارایی‌های شرکت است به صورت کلی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مبالغ بالاتری نسبت به فروش خود برای مالیات پرداخت می‌کنند و فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی کمتری دارند نسبت به مسائل اجتماعی جامعه توجه بیشتری داشته چرا که این مبالغ توسط دولت‌ها وصول شده و باید در مسیر رفاه اجتماعی جامعه هزینه شود بنابراین، شرکت‌هایی که مبالغ بالاتری پرداخت می‌کنند نقش بیشتری در ایجاد رفاه اجتماعی جامعه دارند (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۶).

متغیرهای کنترل تحقیق:

(نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) $MBV_{i,t}$: برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت تعریف شده است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

(اندازه‌ی شرکت) $Size_{i,t}$: برابر با لگاریتم کل دارایی‌های شرکت است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

اهرم مالی $Lev_{i,t}$: برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت i در $t-1$ است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

بازده سرمایه‌گذاری $ROA_{i,t}$: برابر با نسبت سود شرکت به کل دارایی‌های شرکت است (بجیتی و همکاران، ۲۰۱۶).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) نشان داده شده است.

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای الگو*

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
نوسانات سود	۷۶۴۷۶/۳	۱۶۶۲۶/۲	۱۹۶۷۴۵/۶	۱۱۹۵۱۸۲	۸۰۶/۷۲۹
نوسانات ارزش افزوده اقتصادی	۶۱۶۶۵/۴	۱۵۴۹۸/۱	۱۳۲۵۸۳/۱	۶۸۷۰۸۶	۳۸۲/۲۳
نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۰۱
نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش	۰/۰۷۰	۰/۰۶۱	۰/۰۴۱	۰/۲۳۰	۰/۰۲۰
نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی	۰/۲۵۹	۰/۲۱۶	۰/۱۸۲	۰/۷۲۱	۰/۰۵۱
توانایی حاکمیت شرکتی	۰/۴۹۱	۰/۵۰	۰/۳۶۲	۱	۰
نسبت مالیات به کل دارایی‌ها	۰/۰۱۷	۰/۰۱۱	۰/۰۱۸	۰/۰۶۸	۰
اندازه شرکت	۵/۷۸۶	۵/۷۲۳	۰/۶۱۱	۷/۹۸۸	۴/۲۴۶
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲/۳۵۹	۱/۷۱۶	۲/۱۵۴	۱۰/۱۹۱	-۲/۳۹۰
اهرم مالی	۰/۶۴۱	۰/۶۵۲	۰/۱۷۲	۰/۹۵۵	۰/۱۵۴
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۹	۰/۱۰۲	۰/۱۱۱	۰/۴۰۶	-۰/۱۸۱

با توجه به نتایج بدست آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای تحقیق، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. افزون بر این، آماره‌های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی نیز به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بکار گرفته می‌شوند (کلر و وارک، ۲۰۰۳). با بررسی معیارهای مذکور می‌توان اظهار داشت که داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند زیرا، متغیرها دارای حداقل فاصله از ارزش ارایه شده برای کشیدگی می‌باشند. افزون بر این، شاخص راهبری شرکتی دارای میانگین تقریبی ۴۹ درصد است که نشان دهنده سطح نظارت متوسطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. علاوه بر این، متغیر اهرم مالی شرکت دارای میانگین ۶۴ درصدی است که نشان دهنده سهم بالای بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی است. همچنین، بازده دارایی‌ها دارای میانگین تقریبی ۱۲ درصد است که نشان دهنده افزایش میانگینی ۱۲ درصدی این متغیر در سال در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است.

آزمون هم خطی متغیرهای مستقل و بررسی همسانی واریانس

همخطی یعنی وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل که توسط آماره *VIF* سنجیده می‌شود. مقادیر زیر ۱۰ برای این آماره نشان دهنده عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج بدست آمده برای کلیه مقادیر بدست آمده این مقدار برای متغیرهای تحقیق کمتر از حد مجاز است. در نتیجه، هیچ گونه هم خطی میان متغیرهای تحقیق مشاهده نشده است. در ضمن، برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل، از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده است. این آزمون در نرم افزار ایویوز قابل انجام نبوده و برای انجام آن از نرم افزار استاتا استفاده شده است. نتیجه این آزمون برای مدل‌های تحقیق موید وجود همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل است. همچنین، نرمال بودن توزیع باقی مانده‌های رگرسیون نیز مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج موید نرمال بودن این باقی مانده‌ها است.

ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲): همبستگی متغیرهای پژوهش*

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها	۱								
نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش	۰/۱۶	۱							
نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی	۰/۱۱	۰/۱۰	۱						
توانایی حاکمیت شرکتی	-۰/۰	-۰/۱	۰/۱۳	۱					
نسبت مالیات به کل دارایی‌ها	-۰/۰	-۰/۱	-۰/۰	۰/۰۹	۱				
اندازه شرکت	-۰/۵	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۰	-۰/۱	۱			
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	-۰/۰	-۰/۰	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۲۶	-۰/۱	۱		
اهرم مالی	-۰/۰	۰/۰۲	-۰/۰	-۰/۰	-۰/۲	۰/۱۳	۰/۰۳	۱	
بازده دارایی‌ها	۰/۰۳	-۰/۱	-۰/۰	۰/۰۴	۰/۵۵	-۰/۰	۰/۳۹	-۰/۵	۱

با توجه به نگاره (۲)، همانگونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش منطقی است که نشان دهنده‌ی عدم همبستگی، در بین متغیرهای پژوهش است. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد مشکل همخطی میان متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

آمار استنباطی

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در همین راستا، با توجه به مبانی نظری مطرح شده ده فرضیه تدوین و در ادامه به بررسی و آزمون آن‌ها پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا الگوی (۱) برای بررسی پنج فرضیه اول مورد آزمون قرار گرفته است. البته لازم است، قبل از برازش الگوهای تحقیق، آزمون چاو به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای نمونه‌ی تحقیق انجام شود. نتایج حاصل از آزمون چاو برای الگوی (۱) و (۲) در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۱۲/۹۶۸	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
الگوی (۲)	۱۲/۲۲۵	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون چاو برای الگوهای پژوهش، نتایج حاکی از عدم تایید فرض H_0 بوده است، در نتیجه، الگوی روش اثرات ثابت روش ارجح است. لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره‌ی شماره (۴) نشان داده شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۱۰/۰۰۷	۰/۳۴۹	الگوی اثرات تصادفی
الگوی (۲)	۱۷/۱۰۷	۰/۰۴۷	روش اثرات ثابت

همانطور که در نگاره (۴) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برای الگوی (۱) و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برای الگوی (۲) تحقیق روش ارجح است. بنابراین، در ادامه به تخمین الگوی تحقیق با توجه به روش ارجح پرداخته شد. در ادامه برای بررسی پنج فرضیه اول تحقیق پرداخته شد، نتایج تخمین الگوی (۱) تحقیق با روش اثرات تصادفی، در نگاره‌ی شماره (۵) استفاده شده است.

نگاره (۵): نتایج تخمین الگوی (۱) تحقیق*

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۱۱۷۸۸۷۶	-۱۰/۹۹۶	۰/۰۰۰
نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها	-۲۱۰۹۰۹۷۹	-۴/۰۹۹	۰/۰۰۰
نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش	-۲۴۴۴۶/۷۸	-۰/۲۰۲	۰/۸۳۹
نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها	-۲۷۳۹۹/۲۳	-۰/۷۸۰	۰/۴۳۵
توانایی حاکمیت شرکتی	-۱۳۹۳/۴۰	-۰/۰۷۷	۰/۹۳۸
نسبت مالیات به کل دارایی‌ها	-۸۳۹۲۶۹/۰	-۲/۸۲۵	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	۲۱۶۲۰۸/۲	۱۲/۷۶۸	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲۰۷/۹۶۵	۰/۰۹۰	۰/۹۲۷
اهرم مالی	-۳۳۳۷۴/۳۴	-۰/۸۴۷	۰/۳۹۶
بازده دارایی‌ها	۱۸۴۲۸۷/۲	۲/۸۹۴	۰/۰۰۳
ضریب تعیین		۰/۴۹۱	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۶۲	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۱/۹۱۳	
آماره‌ی F		۲۱/۸۴۸	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره (۵) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۲۱/۸۴۸) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۴۶ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۴۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۱/۹۱۳ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی

مرتبه‌ی اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. علاوه به این، با توجه به نتایج، تنها برای متغیرهای نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها و نسبت مالیات به کل دارایی‌ها سطح خطا کمتر از ۵ درصد و برای متغیرهای نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش، نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و توانایی راهبری شرکتی سطح خطا بیشتر از ۵ درصد است. در نتیجه، از میان پنج فرضیه اول تنها فرضیات اول و پنجم تایید می‌شود.

از سوی دیگر، برای بررسی پنج فرضیه دیگر تحقیق از الگوی (۲) استفاده شده است. نتایج تخمین الگوی (۲) با روش اثرات ثابت، در نگاره (۶) ارائه شده است.

نگاره (۶): نتایج تخمین الگوی (۲) تحقیق*

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۲۱۵۲۹۲/۳	-۱۰/۳۹۳	۰/۰۰۰
نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها	-۲۸۶۶۹۱۷	-۵/۲۹۸	۰/۰۰۰
نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش	-۶۷۴۴/۱۴	-۰/۵۵۲	۰/۵۸۰
نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها	-۱۵۷۴/۵۱	-۰/۳۴۷	۰/۷۲۸
توانایی حاکمیت شرکتی	-۱۸۱۸/۷۵	-۰/۵۸۲	۰/۵۶۰
نسبت مالیات به کل دارایی‌ها	-۱۰۲۳۰/۱/۴	-۳/۳۲۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۴۵۸۹۴/۰۱	۱۳/۰۵۱	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	-۲۹۰/۱۹۵	-۰/۸۸۵	۰/۳۷۵
اهرم مالی	۱۳۸۶۵/۵۲	۲/۷۰۴	۰/۰۰۷
بازده دارایی‌ها	۱۰۴۹۰/۱۹	۱/۱۸۷	۰/۲۳۸
ضریب تعیین		۰/۷۸۱	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۷۶	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۱/۸۲۳	
آماره‌ی F		۳۴۱/۷۲	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره (۶) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۳۴۱/۷۲) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۷۷ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و

کنترل تحقیق بیش از ۷۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر $1/823$ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد. علاوه به این، با توجه به نتایج، تنها برای متغیرهای نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها و نسبت مالیات به کل دارایی‌ها سطح خطا کمتر از ۵ درصد و برای متغیرهای نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش، نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و توانایی راهبری شرکتی سطح خطا بیشتر از ۵ درصد است. در نتیجه، از میان پنج فرضیه دوم تنها فرضیات ششم و دهم تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر شاخص‌های کمی مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. بدین منظور فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد. به طور کلی، این استدلال وجود دارد که، مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها به بررسی این موضوع می‌پردازد که عملکرد یک سازمان از نظر تأثیر آن بر جامعه و همچنین تأثیر آن بر محیط زیست، عامل مهمی در سنجش عملکرد کلی سازمان و توانایی آن برای ادامه‌ی فعالیت‌های خود به طور مؤثر، به شمار می‌آید. همچنین، تئوری ذی‌نفعان بیان می‌کند، از آنجایی که مسئولیت‌پذیری شرکت می‌تواند دید بهتری در ذی‌نفعان نسبت به مدیران شرکت ایجاد کند بنابراین انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌هایی که بیشتر به مسئولیت‌پذیری اجتماعی توجه می‌کنند دارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری صحیح‌تر و کارایی سرمایه‌گذاری بیشتری باشند. از سوی دیگر، این استدلال وجود دارد که هر چه یک شرکت عملکرد اجتماعی در سطح مناسب‌تری ارائه دهد دارای سطح عملکرد مالی بالاتری است. زیرا، شرکتی که دارایی عملکرد اجتماعی قوی‌تری می‌باشد، مدیران آن این اعتقاد را دارند برای این که شرکت در بلندمدت به اهداف خود دست یابد لازم است شرکت به مسئولیت اجتماعی خود در برابر جامعه متعهد باشد. بنابراین، ارتقاء در عملکرد مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها از اعتقادات مدیران شرکت است. در نتیجه، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در بلندمدت، شرکت را به اهداف اقتصادی خود نزدیک‌تر می‌کند. علاوه بر این، این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که خود را به ایفای مسئولیت اجتماعی در برابر جامعه متعهد می‌دانند، دارای

ثبات بیشتری بوده و در بلندمدت با افزایش حجم فروش و افزایش شدت چسبندگی عمومی نسبت به محصولات شرکت مواجه خواهند بود. بنابراین، در بلندمدت موجب افزایش ثبات و کاهش نوسان عملکرد مالی و اقتصادی خود می‌شوند. مطابق با این استدلال‌ها نتایج نشان داد که، نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها و نسبت مالیات به کل دارایی‌ها سبب کاهش نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت می‌شود (مطابق با پژوهش بچیتی و همکاران، ۲۰۱۶؛ مالین و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، نتایج نشان داد که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها شرکت، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش و توانایی حاکمیت شرکتی تأثیر غیر معناداری بر نوسانات عملکرد مالی و اقتصادی شرکت دارد (پایک و همکاران، ۲۰۱۳ و اوپونو و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به نتایج بدست آمده دلیل احتمالی رد فرضیه دوم و هفتم را می‌توان به دلیل عدم وجود رقابت در میان شرکت‌ها دانست چرا که در نبود رقابت شرکت‌ها به مخارج تحقیق و توسعه توجه نداشته و این خود سبب ضعف این متغیر در کشور شده و باعث تأثیر غیر معنادار این متغیر می‌شود. از سوی دیگر، دلیل احتمالی رد فرضیه سوم و هشتم را می‌توان به دلیل وجود تحریم‌ها در بیش از یک دهه گذشته دانست که سبب شده شرکت‌ها موفق به بروزرسانی ماشین آلات و تجهیزات خود نشوند و ماشین آلات و تجهیزات استفاده شده با فناوری روز مطابقت نداشته و تأثیر معکوسی بر مسئولیت زیست محیطی شرکت‌ها داشته که در بلندمدت سبب ضعف در به جا آوردن مسئولیت اجتماعی شرکت در قبال جامعه شده که سبب رد این فرضیه شده است. همچنین، با توجه به نتایج بدست آمده دلیل احتمالی رد فرضیه چهارم و نهم را می‌توان وجود راهبری در شرکت‌های ایرانی به صورت شکلی دانست و این نظام کنترلی در کشور فاقد محتوای نظارتی قوی بوده و از لحاظ کارایی نتوانسته در چند دهه اخیر موفق باشد و سبب بهبود شفافیت و پاسخگویی عمومی به صورت چشمگیر شود که سبب رد این فرضیه شده است. بنابراین، با توجه به نتایج متناقض کسب شده برای تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوسانات سود شرکت این حوزه نیازمند انجام تحقیقات بیشتری است.

پیشنادهای کاربردی

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها موضوعی جدید در ادبیات و تحقیقات حسابداری به شمار رفته و از جنبه‌های مختلف توسط سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مدیران و محققین مورد توجه قرار گرفته است. امروزه سهامداران خواهان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به

گونه‌ای مناسب مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند. لانیس و ریچاردسون، (۲۰۱۴) ادعا می‌کنند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها نه تنها در شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود بلکه امروزه برای بسیاری از شرکت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. طرفداران افشای اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی ادعا می‌کنند که شرکت‌ها برای افزایش ثروت سهامداران این اطلاعات را افشا می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در تحلیل‌های مالی مربوط به عملکردی مالی و اقتصادی آتی شرکت و بحث نوسان‌های اقتصادی آتی به فاکتورهای مربوط به ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر توجه شود و میان شرکت‌ها با ایفای مسئولیت اجتماعی و عدم ایفای مسئولیت اجتماعی تمایز قائل شوند. افزون بر این، به مالکان و مدیران که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های انجام شده در شرکت‌های بورسی دارند، توصیه می‌شود تا در راستای افزایش ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت بیش از پیش تلاش کنند چرا که در بلندمدت محصولات شرکت بیش از گذشته مورد توجه بازار قرار گرفته و در موفقیت‌های آتی شرکت تأثیرگذار است. از سوی دیگر، همچنین، به قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان سیاست‌های مالی توصیه می‌شود تا با حمایت بازارهای مالی و همچنین بازار سرمایه از بروز اختلال و نوسان در آن جلوگیری نمایند و قوانین را در جهت افزایش معافیت‌ها برای شرکت‌هایی که به مسائل اجتماعی توجه بیشتری دارند قائل شوند و سبب ایجاد انگیزه برای شرکت‌ها با عملکرد مسئولیت اجتماعی بیشتر شوند.

منابع

- Baratlo, F. (2007). Corporate Social Responsibility, *Quarterly Journal of Research*, 44, 93-108.
- Becchatti, L., Solferino, N & Tessitore, M, E. (2016). Corporate social responsibility and profit volatility: theory and empirical Evidence, www.ssrn.com.
- Benlemlih, M., & Potin, I, G. (2018). Corporate Social Responsibility and Firm Financial Risk Reduction: On the Moderating Role of the Legal Environment, www.ssrn.com.
- Foroghi, D., Amiri, H., & Javanmard, M. (2018). Impace of Corporate Social Responsibility to Cash Holdings Through Synchronous Effect of Chosen Variables, *Financial Accounting Researches*, 35(1), 19-36.
- Hajiha, Z., & Sarafraz, B. (2014). Investigating the Relationship Between Corporate Social Responsibility and Cost of Capital in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange, *Journal of Empirical Accounting Research*, Year 2014, No. 14, Winter 2014, pp. 105-123.

- Jalili, S & Kaiser, F. (2014). The relationship between earnings quality and corporate social responsibility listed in the Tehran Stock Exchange, *Knowledge Audit*, Issue 57, Winter 2014, pp. 147-170.
- Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics*, (6th ed.). Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Lanis, R & Richardson, G. (2014). Is Corporate Social Responsibility Performance Associated with Tax Avoidance?, *Journal of Ethics* (2015) 127:439-457.
- Mallin, b.C., Farag, H. and Ow-Yonga, K (2015). Corporate social responsibility and financial performance in Islamic banks. *Journal of Economic Behavior & Organization*, Vol. 103. 21-38.
- Maranjory, M., & Alikhani, A. (2011). Management and Social Responsibilities Organization, Tehran, Government Education Management Center.
- Nikkar, J., Hamidi, A. & Jalili, A. (2017). The Effect of Corporate Social Responsibility on Behavior Cost Sticky, *Journal of Empirical Accounting Research*, Vol. 6(1), pp. 28-1. (in persian)
- Oeyono, J. and Samy, M. and Bampton, R. (2011). An examination of corporate social responsibility and financial performance: A study of the top 50 Indonesian listed corporations, *Journal of Global Responsibility*, 49(2), PP.100-112.
- Paek, S., Xiao, Q., Lee, S., Song, H. (2013). Does managerial ownership affect different corporate social responsibility dimensions? An empirical examination of U.S. publicly traded hospitality firms. *International Journal of Hospitality Management*, 34(3), 423- 433.
- Salewski, M. and Zülch, H (2016). The Association between Corporate Social Responsibility (CSR) and Earnings Quality: Evidence from European Blue Chips. *HHL Working Paper*, No. 131.
- Wang, D.H.M., Chen, P.H., Yu, T.H.K. and Hsiao, C.Y (2016). The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance. *Journal of Business Research*, Vol. 68(11), 2232-2236.

The Effect of Quantitative Indicators of Corporate Social Responsibility on Financial and Economic Performance Volatility in Firms Listed on Tehran Stock Exchange

2

Javad Nickar¹, Maryam Yousefi

Received: 2018/08/16

Accepted: 2018/12/03

Abstract

The aim of this study is to examine the effect of quantitative indicators of corporate social responsibility on financial and economic performance volatility in firms at Tehran Stock Exchange. By reviewing internal researches related to corporate social responsibility and because of the importance of this area for developing economies to attract foreign investments, this study examined the impact of corporate social responsibility on financial and economic performance volatility in the financial reporting environment of Iran, by means of quantitative indicators extracted from the financial statements. For this purpose, ten hypotheses developed and data on 105 companies in Tehran Stock Exchange gathered and analyzed for the period between the years 2010 to 2017. The regression model using panel data with fixed effects approach was tested. The results showed that the ratio of the number of employees to total assets and the ratio of tax to total assets as indicators of corporate social responsibility would reduce the company's corporate financial and economic performance volatility. On the other hand, the results indicated that the ratio of fixed assets to total assets of the company, the ratio of the cost of R&D and advertising to sales and the ability of corporate governance as indicators of corporate social responsibility, have insignificant effect on the company's corporate financial and economic performance volatility. Therefore, given the contradictory results obtained for the impact of corporate social responsibility on volatility of financial and economic performance, this area requires more research.

Keywords: Economic Performance Volatility, Financial Performance Volatility, Quantitative Indicators of Corporate Social Responsibility, Social Welfare.

JEL classification: G14, M14

DOI: 10.22051/ijar.2018.21713.1422

¹ Assistant Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Corresponding Author(j.nickar@gmail.com)

² Msc of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(souzany@yahoo.com)